

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلسه

اول

عبارت حرفی (Term):

به شکل معنی دار حروف یا ارقام و علائم گفته می شود.
ممکن است از یک حرف (رقم و علامت) یا حتی چندین کلمه تشکیل شده باشد.
مثال: وضعیت یک عضو Osis (پسوند)

کلمه مرکب (Compound Word):

واژه ای که دارای چند جزء یا معنی باشد.

صحرائشین = صحرا + نشین

بی کارگر = بی + کار + گر

پیشوند ریشه پسوند

اجزاء تشکیل دهنده یک کلمه مرکب = **ریشه**، **پسوند**، **پیشوند** یا هر دو می باشد.

مثال غیر فارسی:

dermatology = dermato + logy

germicide = germy + cide



ریشه کلمه (Stem) :

واژه ای که جزء اصلی و ثابت یک کلمه مرکب در مقایسه با کلمات مرکب هم خانواده آن باشد، و مفهوم واژه بیشتر به آن تکیه دارد.

مثال :

در کلمات هم خانواده (کارگر-کارمند-کارآگاه) ← ریشه کار است.

مثال غیر فارسی : (ریشه **emia** به معنی خون است)

Uremia,anemia,toxemia → **emia**



پسوند (Suffix):

به عبارتی گفته می شود که پس از بُن یا ریشه کلمه واقع شده و معنای ریشه را دگرگون می کند.

مثال فارسی: آهنگر = آهن + گر (گر: به معنی کننده کار)، ریشه: آهن، پسوند: گر

مثال غیر فارسی: **hematology** = **hemato** + **logy**

شناخت (علم مطالعه و بررسی) + خون

cardiography = **cardio** + **graphy**
ثبت (ضبط) + قلب

پیشوند (prefix):

عبارتی که قبل از بُن یا ریشه واژه قرار گرفته و معنا را تغییر می دهد.

مثال فارسی: پُرکار = پُر + کار

antibody = **anti** + **body** , **inhale** = **in** + **hale**

مثال غیر فارسی:



ریشه (فرو بردن) پیشوند (داخل)



ضد - مخالف

against ant



التهاب

Inflammation of it is



علم - شناخت

The science or study of logy



قبل - پیش

before, ante



ثبت نمودن

Recording graphy



پیشوندهایی که برای شمارش استفاده میشوند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
prim/i	first اولین، نخست	primigravida	زنی که برای اولین بار باردار شده است
mon/o	one یک	monoclonal	کلونی تک سلولی
uni-	one تک، یک	unicellular	ارگانیسمی که از یک سلول منفرد تشکیل شده
bi-	two, twice دو – دوتایی	bifurcation	دو شاخه
di-	two, twice دو – دوتایی	diplegia	فلج دو نقطه از بدن یا عضو
diplo-	double دو – دوبرابر	diplopia	دوبینی (opia بینایی)
hemi-	oneside, half نیم – نیمه	hemi thorax	نیمه قفسه سینه، یک طرف از قفسه سینه
semi-	partial, half نیمه، قسمتی	semilunar	هلال ماه
tri-	three	triceps	ماهیچه سه سر
multi-	many	multiple	چندین قسمت
poly	many, much	polymorphic	دارای چندین شکل، اشکال مختلف
quadr/l	four	quadriplegia	فلج چهار اندام

پیشوندهایی که معنای رنگ را می‌رسانند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Cyan/o	Blue آبی	Cyanosis	تغییر رنگ پوست به آبی
Erythro-	Red قرمز	Erythrocyte	گلبول قرمز خون
Leuk/o	White,color-Less سفید	Leukocyte	گلبول سفید خون
Melano-	Black,dark سیاه	Melanin	پیگمان،رنگدانه سیاه پوست و مو
Xanth/o	yellow زرد	Xanthoma	رشد غیر عادی پوست که زرد رنگ است
Alba	White سفید	Albino	بدون رنگ

پیشوندهایی که معنای رنگ را می‌رسانند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Cirrh	yellow زرد	Cirrhosis	بیماری که سبب زرد شدن کبد می شود
Nigro	Black سیاه	Substance Nigra	جسم سیاه (مغز)
Chromo	رنگ	Chromocyte	سلول های رنگی
Chloro	green سبز	Chloroplast	اجسام سبز در سلول های گیاهی

پیشوندهایی که دارای معنی منفی می باشند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
a/an	Not, without, lack of, absence	Amorphous	بدون شکل
Anti-	Against ضد، مخالف	Antidote	ضد سم، اثر مخالف
Contra-	Against	Contralateral	طرف مقابل
De-	Down, with, out, removal جابجایی، خارج کردن	Detoxify	خارج کردن سم (toxin ← سم)
Dis-	absence Removal- عدم وجود	Disinfect	ضد عفونی کننده، از بین برنده باکتری
In/im	Not (منفی) عدم	Incontinence	عدم اختیار، بی اختیاری
Un-	Not (منفی) عدم	Unconscious	عدم هوشیاری، عدم جواب

پیشوندهایی که معنی جهت و مسیر دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Ab-	Away from دور از	Abduct	دور شدن از خط وسط
Ad-	Toward, near به طرف، نزدیک	Adhesion	چسبندگی، پیوستگی
Dia-	Through از طریق، از میان	Dialysis	جدا شدن از طریق عبور از یک غشا
Per-	Through از میان، از طریق	Percutaneous	از طریق یا از میان پوست
Trans-	Through از میان، از طریق	Transfusion	انتقال خون یا فرآورده های خونی

پیشوندهایی که معنی درجه یا میزان دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Hyper-	Over, excess بالا بودن غیر طبیعی	Hypertension	بالا بودن فشار خون از حد طبیعی
Hypo-	Under, below پایین بودن غیر طبیعی	Hypotension	پایین بودن فشار خون از حد طبیعی
Olig/o	Few کم، کاهش	Oligospermia	کاهش یا کمبود اسپرم
Pan-	All همه، تمام، کل	Panplegia	فلج کامل
Super-	Above, excess بالا، ثانویه، اضافه	Superinfection	عفونت ثانویه

پیشوندهایی که معنی اندازه و مقایسه دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Eu-	True, good درست، خوب	Euthanasia	مرگ راحت و بدون درد
Hetero-	Other, different دیگر، متفاوت	Heterosexual	قرار داشتن در جنس مخالف
Homo- Homeo-	Same, un changing همان، بدون تغییر	Homothermic	با همان درجه حرارت
Iso-	equal	Isograft	گرافت بین دو شخصی که از نظر ژنتیکی مشابه باشند
Macro-	Larg اندازه بزرگ	Macroscopic	قابل دید بدون چشم مسلح
Mega- Megalo-	Larg بزرگی بیش از اندازه	Megabladder	مثانه بزرگ شده



ادامه - پیشوندهایی که معنی اندازه و مقایسه دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Micro-	Small کوچک	Microsurgery	جراحی میکروسکوپی
Neo-	New جدید	Neonate	نوزاد تازه به دنیا آمده
Normo-	Normal طبیعی	Normovolemia	حجم طبیعی خون
Poikilo-	Varied, irregular غیر منظم ، متفاوت	Poikiloderma	پوست ناهموار و غیر صاف
Pseudo-	False غلط، دروغ	Pseudoparalysis	تظاهر به فلج، فلج دروغ
Re-	Again, back برگشت، در مقابل	Reflux	برگشت به عقب، جریان مخالف
Ortho-	Straight, correct, صحیح ، مستقیم	Orthosis	تصحیح کردن، جلوگیری از تغییر شکل

پیشوندهایی که معنی زمان دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Ante-	Before قبل	Antenatal	قبل از تولد
Pre-	Before, in front of قبل، جلو	Predisposing	قبل از یک وضعیت یا بیماری
Pro-	Before, in front of قبل، جلو	Prophylaxis	پیشگیری از بیماری
Post-	After, behind بعد از، پشت سر	Post operative	بعد از عمل جراحی ➤

پیشوندهایی که معنی وضعیت دارند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Dextr/o	Right راست	Dextrocardia	قرار گرفتن قلب در طرف راست قفسه سینه
Sinistr/o	Left چپ	Sinistrad	به طرف چپ
Ecto-	Out, out side بیرون	Ectopic	خارج از وضعیت طبیعی
Endo-	In, within داخل، درون	Endoscope	وسیله ای برای دیدن حفرات داخلی بدن
Mes/o	Middle میان، وسط	Mesencephalon	مغز میانی
sym/syn	Together باهم	Synapse	محل اتصال بین دو سلول عصبی
Tel/e , tel/o	End	telangion	عروق خونی انتهایی

ریشه‌هایی که به معنی عوامل فیزیکی هستند :

پیشوند	معنی	مثال	توضیح مثال
Aer/o	Air, gas هوا	Aerobe	ارگانیسمی که برای زندگی نیاز به هوا دارد
Bar/o	Pressure فشار	Barotrauma	آسیب یا صدمه ای که ناشی از فشار باشد
Chrom/o Chromat/o	Color رنگ	Chromatic	به معنی رنگ
Cry/o	Cold سرما	Cryoprobe	وسیله ای برای کاربرد سرمای شدید برای بافت ها
Electr/o	Electricity الکتریسیته	Electroshock	شوک تولید شده بوسیله جریان الکتریسیته
Erg/o	Work کار، عمل	synergistic	تقویت کننده اثر یکدیگر (داروها)
Kine, kinet, kinesi/o	Movement حرکت	Kinesis	حرکت
Phot/o	Light نور، روشنایی	Photosensitive	حساسیت غیر طبیعی به نور (خورشید)
Radi/o	Radiation اشعه	Radioactive	تولید کننده اشعه
Son/o	Sound صدا	Ultrasonic	تشکیل شده از امواج صوتی با فرکانس بالا
Therm/o	Heat, temperature	Hypothermia	درجه حرارت پایین بدن

ریشه هایی که معنی ترکیبات شیمیایی را می‌رسانند :

ریشه	معنی	مثال	توضیح مثال
Azot/o	Nitrogen compound ترکیبات نیتروژن	Azoturia	افزایش ترکیبات نیتروژن دار در ادرار
Ferr/o, ferr/i	آهن Iron	Ferric	دارای آهن
Sider/o	Iron	Sideropenia	کاهش یا کمبود آهن در خون
Hydr/o	آب، مایعات Water, fluid	Dehydrate	از دست دادن آب، خشک شدن
Kali	پتاسیم potassium	Hyperkalemia	افزایش پتاسیم در خون
Natri	سدیم sodium	Hyponatremia	کاهش سدیم در خون

ریشه هایی که معنی زمان دارند :

تعریف مثال	مثال	معنی	ریشه
با هم اتفاق افتادن	Synchronous	زمان time	Chron/o
در شب اتفاق افتادن	Nocturnal	شب night	Noct/I
ترس از شب و تاریکی	Nyctophobia	Night, darkness شب، تاریکی	Nyct/o



با تشکر از توجه شما

